

آموزش از راه دور زبان انگلیسی

تحلیف



ABCDEFGHIJKI

خودآموز زبان انگلیسی

TOP NOTCH

جلد چهارم

(سطح ۳)

خودآموز زبان انگلیسی

Top Notch

(سطح ۳)

جلد چهارم

چاپ دوم - بهار ۱۳۹۱

گردآوری و تالیف: علیرضا معتمد

Advance
Upper-Intermediate
Intermediate
Pre-Intermediate
Elementary

TahlilGaran.org

سرشناسه	: معتمد، علیرضا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: خودآموز زبان انگلیسی Top Notch
مشخصات نشر	: تهران: تحلیلگران، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ج ۴؛ ۱۱×۱۷ س.م.
شابک	: دوره: ۸-۲۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۱: ۵-۲۸-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۲: ۲-۲۹-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۳: ۳-۳۰-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۴: ۵-۳۱-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: فارسی - انگلیسی.
یادداشت	: کتابنامه.
مندرجات	: ج ۱. مقدماتی ج ۲. سطح ۱ ج ۳. سطح ۲ ج ۴. سطح ۳
موضوع	: زبان انگلیسی - کتابهای درسی برای خارجیان - فارسی
موضوع	: زبان انگلیسی - خودآموز
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ خ ۹ م/PE۱۱۲۸
رده بندی دیویی	: فا ۴۲۸/۲۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۹۷۷۷۱

تهران، میدان ونک، خیابان گاندی هجدهم، پلاک ۱۸
واحد ۲ تلفن: ۸۸۷۳۷۱۸
سایت اینترنت: www.PersianVi.com
پست الکترونیک: info@PersianVi.com



نام کتاب : خودآموز زبان انگلیسی تاپ ناچ - جلد چهارم

گردآوری و تألیف : علیرضا معتمد

چاپ دوم : بهار ۱۳۹۱

قطع جیبی : ۵۶ صفحه

شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

شابک دوره: ۸-۲۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰

شابک: ۵-۳۱-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰

بها: ۲۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است و هرگونه نسخه برداری از آن پیگرد قانونی دارد.

مقدمه ناشر :

کتابهای آموزشی زبان انگلیسی تاپ ناچ، مجموعه ای شامل ۶ سطح (به انضمام کتابهای سامیت) بوده که توسط انتشارات لانگمن جهت آموزش زبان انگلیسی به نوجوانان و جوانان غیر انگلیسی زبان، بصورت کاربردی و با شیوه ای نوین طراحی شده است. هر درس شامل مجموعه ای از لغات جدید به همراه نکات گرامری بوده و موجب افزایش مهارتهای چهارگانه زبان انگلیسی (خواندن، نوشتن، مکالمه و درک مطلب شنیداری) می گردد.

یکی از نکات برجسته درسهها، استفاده از زبان محاوره واقعی با اقتباس از زندگی مردم انگلیسی زبان می باشد. از طرف دیگر بیان موضوعاتی از قبیل خرید کردن، تاکسی گرفتن، سفارش غذا در رستوران و ... مواردی از کاربرد زبان انگلیسی در زندگی روزمره بوده که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

کتاب حاضر مجموعه ای از نکات گرامری به همراه واژگان جدید هر درس از کتابهای تاپ ناچ است که در چهار جلد شامل ناپ ناچ مقدماتی، تاپ ناچ سطح ۱، تاپ ناچ سطح ۲ و تاپ ناچ سطح ۳ ارائه شده و می تواند به عنوان کتاب راهنما و خودآموز زبان انگلیسی در کنار کتابهای اصلی تاپ ناچ مورد استفاده قرار گیرد.

به یاد داشته باشید که تکرار و برنامه ریزی، کلید موفقیت شما در آموختن هر زبان جدید می باشد.

موفق باشید

علیرضا معتمد

موسس و مدیر مسئول

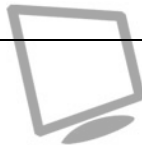
هر زبان جدید می باشد.



TahlilGaran.org

فهرست مطالب :

۶	✓ جملات پرسشی ضمیمه ✓ تلفظ صحیح جملات پرسشی ✓ زمان گذشته کامل	Cultural Literacy	درس ۱.
۱۴	✓ کاربرد may, must ✓ be able to کاربرد	Health Matters	درس ۲.
۱۸	✓ کاربرد جملات سببی	Getting Things Done	درس ۳.
۲۲	✓ زمان آینده در گذشته ✓ modals زمان گذشته	Life Choices	درس ۴.
۲۶	✓ کاربرد ضمائر ربطی ✓ کاربرد ضمائر انعکاسی	Holidays & Traditions	درس ۵.
۳۰	✓ کاربرد tell, say ✓ کاربرد نقل قول مستقیم ✓ کاربرد نقل قول غیر مستقیم	Disasters	درس ۶.
۳۶	✓ کاربرد Noun Clauses ✓ کاربرد عبارتهای اسمی با if ✓ کاربرد عبارتهای اسمی با wh	Books & Magazines	درس ۷.



۴۰	✓ جملات شرطی ✓ کاربرد جملات شرطی حقیقی ✓ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی ✓ کاربرد wish	Innovations	درس ۸.
۴۷	✓ کاربرد اسامی غیر قابل شمارش ✓ کاربرد مصدر پس از افعال خاص ✓ کاربرد اسم مصدر پس از افعال خاص	Controversial Issues	درس ۹.
۵۱	✓ کاربرد too ✓ کاربرد enough ✓ کاربرد حروف اضافه مکان	Enjoying the World	درس ۱۰.



Unit 1: Cultural Literacy.

Grammar.

☑ جملات پرسشی ضمیمه :

به جمله این فیلم ایرانی است، مگه نه؟ توجه نمایید. در زبان فارسی برای تاکید بر روی جملات پرسشی خود از عباراتی مانند (مگه نه) استفاده می کنیم. این عبارتها در زبان انگلیسی به Tag Question معروف هستند. مثال:

This film is from Iran, isn't it?

این فیلم ایرانی است، مگه نه؟

جهت افزودن Tag Question که در این درس به آن جمله پرسشی ضمیمه خواهیم گفت، به قوانین زیر توجه نمایید:
اگر جمله پایه، مثبت باشد، جمله پرسشی ضمیمه، منفی خواهد بود و برعکس.

جمله پرسشی ضمیمه با استفاده از فعل کمکی و در زمان رویداد جمله اصلی ساخته می شود.

جمله پرسشی ضمیمه همیشه بصورت مخفف نوشته می شود.

مانند isn't it

در زمان حال ساده بجای ~~amn't~~ از aren't I یا aren't I جمله پرسشی ضمیمه استفاده می شود.

: مثال

You know that man, don't you?

شما آن مرد را می شناسید مگه نه؟

She doesn't know where the museum is, does she?

او نمی داند که موزه کجاست مگه نه؟

She didn't have a ticket, did she?

او یک بلیط ندارد مگه نه ؟

Mary wasn't at the theater, was she?

ماری در تاتر نیست مگه نه ؟

My friends were at the cinema, weren't they?

دوستان من در سینما هستند مگه نه ؟

Ali will go to the museum with us, won't he?

علی با ما به موزه خواهد آمد مگه نه ؟

There won't be two films at the cinema, will there?

آنجا در سینما دو فیلم نخواهد بود مگه نه؟

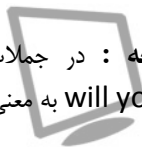
You aren't going to the cinema, are you?

شما به سینما نمی روید مگه نه؟

توجه : در جملات امری ، جمله پرسشی ضمیمه بصورت **will you?** به معنی **(ممکنه؟)** نوشته می شود. مثال:

Sit in that row, will you?

در آن ردیف بنشینید، ممکنه ؟



Don't be late for the film, will you?

برای آن فیلم دیر نکنید، ممکنه ؟

توجه : در جملاتی که با Let's آغاز شده باشند، جمله پرسشی

ضمیمه بصورت shall we? نوشته می شود. مثال:

Let's go cinema, shall we?

بیایید به سینما برویم، ممکنه ؟

☑ تلفظ صحیح جملات پرسشی ضمیمه :

در **جملات پرسشی مثبت**، معمولا پاسخ پرسش را نمی دانیم و هدف از پرسیدن سوال، دریافت پاسخ مناسب است. در این حالت جمله پرسشی را می بایست با آهنگ بالا ادا نماییم. به این صورت که در خاتمه جمله، صدا در اوج خود قرار بگیرد.

در **جملات پرسشی منفی**، قصد داریم تا پاسخ مثبت مخاطب را بدست آوریم. در این حالت جملات پرسشی را با آهنگ پایین ادا می کنیم. به این صورت که در خاتمه جمله، صدا در پایین ترین سطح خود قرار بگیرد.

مثال :

You don't have a ticket to the cinema, do you?

شما بلیط برای سینما نداری، مگه نه؟ (می خواهم بدانم که آیا بلیط دارید؟)

Yes, It's in my pocket.

بله در جیبم است

It's a great music, isn't it?

موسیقی عالی است، مگه نه ؟



Yes, it's wonderful.

بله عالی است

☑ زمان گذشته کامل :

زمان گذشته کامل یا ماضی بعید، بیانگر عملی است که در گذشته دور انجام شده باشد. معمولاً این زمان همراه با یک جمله کوتاه گذشته ساده همراه است. ساختار زمان گذشته کامل بصورت زیر می باشد:

جمله کوتاه گذشته ساده + کلمه ربط + اسم مفعول + had + فاعل
مثال:

I had arrived when you called.

وقتی تماس گرفتی، رسیده بودم.

در زمان گذشته کامل، had فعلی کمکی می باشد. لذا برای سوالی نمودن جمله می بایست had را به ابتدای جمله آورده و همچنین در ترکیبهای منفی، not را به had اضافه می کنیم.
مثال:

I hadn't seen the movie when it came out on DVD.

من فیلم را ندیده بودم زمانیکه روی دی وی منتشر شد.

Had the film finished when you went there?

آیا زمانیکه به آنجا رسیدی، فیلم تمام شده بود؟

توجه : قیدهای زمان زیر معمولاً در قسمت گذشته ساده بکار می روند:

when (هنگامیکه) , before (قبل از اینکه) , by (تا) lilGaran.org

مثال:

By 2001, she had already met her husband.

I had already seen the movie when it came out on DVD.

I had learned to speak Greek before I graduated.

توجه: قیدهای زمان زیر معمولا در قسمت گذشته کامل بکار می روند:

after (به محض اینکه), as soon as (بعد از اینکه)

مثال:

I became a good driver after I had finished my work.

I became a good driver as soon as I had graduated.

توجه: معمولا کلمه already به معنی (قبلا) پس از had و قبل از اسم مفعول بکار می رود. مثال:

I hadn't already seen them.

توجه: گاهی در مکالمه های غیر رسمی بجای زمان گذشته کامل، از گذشته ساده نیز استفاده می شود. مثال:

Before I graduated, I learned to speak Chinese.



👉 Vocabulary.

etiquette:

et-i-quette / 'etɪkət/

آداب معاشرت

the formal rules for polite behavior in society or in a particular group

- *strict rules of professional etiquette*

literacy:

lit-e-ra-cy / 'lɪtərəsi/

سواد، با سوادى

the state of being able to read and write

- *a new adult literacy campaign*
- *computer literacy*

manners:

man-ners / 'mænənz/

تربیت اجتماعى، ادب

polite ways of behaving in social situations

- *Her children all had such good manners.*
- ***It's bad manners** to talk with your mouth full (=talk and eat at the same time).*

punctual:

punc·tu·al / 'pʌŋktʃuəl/

وقت شناس

arriving, happening, or being done at exactly the time that has been arranged

- *She's always very punctual for appointments.*
- *the punctual payment of invoices*

impolite:

im·po·lite /,ɪmpə'laɪt/

بی ادب

not polite, rude

- *an impolite remark*
- *Would it be impolite of me to ask exactly where you've been?*

offensive:

of·fen·sive /ə'fensɪv/

مهاجم، اهانت آور

very rude or insulting and likely to upset people

- *I found her remarks **deeply offensive**.*
- *offensive behaviour*



customary:

cus·tom·a·ry / 'kʌstəmeri/

مرسوم

something that is customary is normal because it is the way something is usually done

- *In some cultures it is customary for the bride to wear white.*

taboo:

ta·boo /tæ'bu:/

مذموم، حرام

a taboo subject, word, activity etc is one that people avoid because it is extremely offensive or embarrassing

- *It's taboo to eat pork.*



Unit 2: Health Matters.**Grammar.****☑ کاربرد May :**

may به معنی (امکان داشتن) معمولا برای درخواست های مودبانه و یا بیان امکان انجام کاری بکار می رود. مثال:

May I come in?

ممکن است داخل شوم؟ (اجازه گرفتن)

He may meet you next week.

او ممکن است شما را هفته آینده ملاقات نماید. (امکان پذیری)

توجه : صورت گذشته جملاتی که با may همراه هستند، بصورت

may + have + Past participle نوشته می شود. مثال:

The dentist may have met you.

توجه : might گذشته may بوده و مانند آن در زمانهای

مختلف می تواند بکار رود. مثال:

Barbara might (or may) not need a new filling.

☑ کاربرد Must :

must به معنی (ضرورت و اجبار) تقریبا مترادف have to در

جملات بکار می رود. مثال:

You must study hard. تو مجبور هستی که سخت درس بخوانی.

همچنین **must** به مفهوم نتیجه گیری نیز در جملات انگلیسی بکار می رود. مثال:

Ali just broke a tooth. That must hurt.

علی دندانش شکست. می بایست درد کند.

The dentist told me to come next week. It must not be an emergency.

دندانپزشک بمن گفت که هفته آینده بیایم. نباید وضعیت فوق العاده ای باشد.

☑ کاربرد **be able to** :

be able to به معنی (قدرت و توانایی انجام کاری را داشتن) در جملات انگلیسی بکار می رود. مثال :

I am able to come tonight.

من می توانم امشب بیایم

He is ill. He is not able to go to school.

او بیمار است و نمی تواند به مدرسه برود

We were not able to get a good grade.

ما نتوانستیم نمره خوبی کسب کنیم



📖 Vocabulary.

painkiller:

pain·kill·er / 'peɪn,kɪlər/

داروی مسکن درد

a medicine which reduces or removes pain

- *an overdose of painkillers*

tablet:

tab·let / 'tæblɪt/

قرص

a small round hard piece of medicine which you swallow

- *She **took** a couple of headache **tablets***
- *sleeping tablet*

decongestant:

de·con·gest·ant /,di:kən'dʒestənt/ n

داروی بازکننده بینی برای تنفس بهتر

medicine that you can take if you have a cold, to help you breathe more easily



antihistamine:

an·ti·his·ta·mine /,æntɪ'hɪstəmin/

داروی ضد آلرژی

a drug that is used to treat an allergy (=an unpleasant reaction to particular foods, substances etc)

antibiotic:

an·ti·bi·ot·ic /,'ɑ:ntɪbaɪ'ɒtɪk/

آنتی بیوتیک

a drug that is used to kill bacteria and cure infections

antacid:

ant·a·cid /ænt'æsɪd/

داروی ضد سوزش معده، ضد اسید معده

a substance that gets rid of the burning feeling in your stomach when you have eaten too much, drunk too much etc

ointment:

oint·ment / 'ɔɪntmənt/ n

پماد

a soft cream that you rub into your skin, especially as a medical treatment



Unit 3: Getting Things Done.

Grammar.

☑ کاربرد جملات سببی :

جمله سببی یا Causative Sentence زمانی بکار می رود که در آن فاعل انجام فعل را به شخص دیگری واگذار نماید. مثلا جمله **دادم اطاقم را تمیز کنند.** یک جمله سببی می باشد. در زبان انگلیسی برای نوشتن جملات سببی از افعال **get** و **have** بصورت زیر استفاده می کنند.

اسم مفعول + مفعول + have / get + فاعل

مثال:

I got my room cleaned.

دادم اطاقم را تمیز کنند.

They got their photos enlarged.

دادند عکسهایشان را بزرگ کنند.

She can have her film copied.

او می تواند بدهد فیلمش را کپی کنند.

We are having the office cleaned.

می دهیم دفتر را تمیز کنند.

I must have my hair cut.

باید بدهم موهایم را کوتاه کنند.

توجه : به جملات فوق که در آن فردی که انجام کار را به او واگذار

می کنیم نامشخص است، جملات سببی مجهول گفته می شود. در



جملات سببی معلوم، کننده کار مشخص است. ساختار جملات سببی معلوم بصورت‌های زیر می باشد:

مفعول + مصدر بدون **to** + شخص مورد نظر + **have** + فاعل

مفعول + مصدر با **to** + شخص مورد نظر + **get** + فاعل

مثال:

I had my brother paint my room.

I got my brother to paint my room.

دادم به برادرم اطاقم را رنگ کند.

توجه : می توان از کلماتی از قبیل **make, let** نیز بجای **have** در جملات سببی معلوم استفاده نمود. مثال:

I made my brother help me finish the job.

توجه : می توان از کلماتی از قبیل **want, ask, request** نیز بجای **get** در جملات سببی معلوم استفاده نمود. مثال:

I ask my brother to help me finish the job.

☑ کاربرد **let** :

let در جملات انگلیسی بیانگر کسب اجازه برای انجام کار می باشد. توجه کنید پس از **let** همیشه از مصدر بدون **to** استفاده می شود. مثال:

I don't let my children stay out after 9 pm.

من به فرزندانم اجازه نمی دهم پس از ساعت ۹ شب بیرون بمانند.

📖 Vocabulary.

reliable:

re·li·a·ble /rɪ'laɪəbəl/

قابل اطمینان، معتبر

someone or something that is reliable can be trusted or depended on

- *a birth control method that is cheap and reliable*
- *Miller was a quiet and reliable man.*

reasonable:

rea·son·a·ble /'ri:zənəbəl/

معقول

fair and sensible

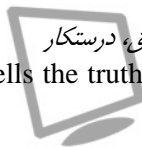
- *a reasonable request*
- **Be reasonable** - *you can't expect her to do all the work on her own!*

honest:

hon·est /'ɑ:nɪst/

someone who is honest always tells the truth and does not cheat or steal

- *Ann had an honest face.*



efficient:

ef·fi·cient /ɪ'fɪʃ ənt/

کارآمد، بهره‌ور

if someone or something is efficient, they work well without wasting time, money, or energy

- *an efficient use of land*
- *Lighting is now more **energy efficient** .*

professional:

pro·fes·sion·al /prə'feʃ ənəl/

حرفه‌ای

relating to a job that needs special education and training

- *It is essential to get good **professional advice** .*
- *You may need to seek **professional help** .*



Unit 4: Life Choices.**Grammar.****☑ زمان آینده در گذشته :**

زمان آینده در گذشته برای بیان عملی که در گذشته رخ داده باشد و نسبت به عمل دیگری مفهوم آینده داشته باشد، بکار می رود. ساختار زمان آینده در گذشته بصورت زیر است:

مصدر بدون to + would + فاعل

مثال:

She thought she would be a doctor, but she changed her mind.

او فکر کرد که یک پزشک خواهد شد ولی نظرش را تغییر داد.

We always believed they would get married, but they never did.

ما همیشه اعتقاد داشتیم که آنها ازدواج خواهند کرد ولی آنها هرگز این کار را نکردند.


توجه : ساختار دیگر جملات آینده در گذشته بصورت زیر می باشد:

مصدر بدون to + was/were going to + فاعل

مثال:

I believed I was going to have a lot of children, but I was wrong.

من اعتقاد داشتم که تعداد زیادی بچه خواهم داشت ولی اشتباه کردم.

Weren't you going to study law? Yes, I was. 

☑ زمان گذشته modal ها :

اگر modalها مانند would, could, may, might, should در جملات زمان گذشته بکار برده شوند و منظور از کاربرد آنها بیان عملی باشد که در گذشته باید انجام می گرفته ولی انجام نشده است، از ساختار زیر برای نمایش آن استفاده می کنیم.

اسم مفعول + have + modals

مثال:

I should have studied medicine.

من باید داروسازی می خواندم. (ولی نخواندم)

She shouldn't have divorced Ali.

او نباید از علی جدا می شد. (ولی جدا شد)

We would have been happy.

قرار بود خوشحال شویم (ولی نشدیم)

He could have made a better job.

او می توانست شغل بهتری داشته باشد. (ولی نشد)

I may have failed the exam.

ممکن بود که امتحان را پاس نکنم. (ولی پاس کردم)

توجه : کاربرد must بصورت فوق برای بیان استنتاج و نتیجه گیری از انجام عملی در گذشته همراه با تردید گوینده بکار می رود.

مثال:

He's not here. He must have gone home early.

او اینجا نیست. احتمالا باید زود به خانه رفته باشد. (تردید)

📖 Vocabulary.

talent:

tal-ent / 'tælənt/

استعداد خدادادی

a natural ability to do something well

- *He **has** a lot of **talent** , and his work is fresh and interesting.*
- *Your brother is a man of many talents .*

skill:

skill /skɪl/

مهارت، چیره دستی

an ability to do something well, especially because you have learned and practiced it

- *Many jobs today require computer skills.*

experience:

ex-pe-ri-ence /ɪk'spɪəriəns/

تجربه، تمرین

knowledge or skill that you gain from doing a job or activity, or the process of doing this

- *You've got a lot of experience of lecturing.*
- *He had no **previous experience** of managing a farm.*

knowledge:

knowl·edge / 'n ɑ:ɪdʒ/

دانش، آگاهی

the information, skills, and understanding that you have gained through learning or experience

- *You need specialist knowledge to do this job.*
- *Many of the students did not **have** much **knowledge** of American history.*



Unit 5: Holidays and Traditions.

👉 Grammar.

☑️ کاربرد ضمایر ربطی :

ضمایر ربطی یا Relative Pronouns مانند who, what, when, where, that برای اتصال بین جملات انگلیسی بکار می روند. مثال:

Halloween is a celebration.

Halloween takes place in October.

► Halloween is a celebration **that** takes place in October.

هالوین جشنی است که در ماه اکتبر روی می دهد.

برخی از ضمایر ربطی عبارتند از:

who (به معنی که) برای اشاره به فاعل انسان بکار می رود.

whom (به معنی که او را) برای اشاره به مفعول انسان بکار می رود.

which (به معنی که) برای اشاره به فاعل و مفعول اشیاء بکار می رود.

that (به معنی که) بجای who, whom, which می تواند بکار برود.

مثال:

The person **who comes for dinner** should bring a gift.
فردی که برای شام می آید، باید هدیه ای بگیرد.

The person **whom you invite** should bring a gift.
فردی که او را دعوت کردید، باید هدیه ای بگیرد.

توجه : هنگامیکه ضمایر ربطی بصورت مفعول در جمله نوشته می شوند، حذف آنها، تغییری در مفهوم جمله بوجود نمی آورد. مثال:

The book **that you bought** gives great information about holidays

► The book **you bought** gives great information about holidays.

توجه : زمانیکه ضمایر ربطی بصورت فاعل در جمله نوشته می شود، نمی تواند حذف شود. مثال:

The author **who wrote that book** did a great job.

► ~~The author wrote that book did a great job.~~

☑ کاربرد ضمایر انعکاسی :

ضمایر انعکاسی برای انعکاس کار انجام شده به فاعل جمله بکار می روند. این ضمایر عبارتند از:

myself, yourself, himself, herself, itself,
ourselves, yourselves, themselves

مثال:

My sister made herself sick from eating so much.

خواهرم از خوردن بیش از حد، خودش را مریض کرد

توجه : ترکیب by با ضمایر انعکاسی مفهوم (به تنهایی) می دهد. مثال:

I made it by myself. من به تنهایی آنرا ساختم.

📖 Vocabulary.

engagement:

en·gage·ment /ɪn'geɪdʒmənt/

نامزدی

an agreement between two people to marry, or the period of time they are engaged

- Their **engagement** was **announced** in the paper.
- Tony was stunned when Lisa suddenly **broke off** their **engagement** (=finished it) .

engaged:

en·gaged /ɪn'geɪdʒd/

نامزد شدن

if two people are engaged, they have agreed to marry

- Have you heard? Sally and Ray are **getting engaged** .
- Kate's engaged to a guy from England.

ceremony:

cer·e·mo·ny / 'serɪməni/



an important social or religious event, when a traditional set of actions is performed in a formal way

- *the wedding ceremony*

wedding:

wed·ding / 'wedɪŋ/

عروسی

a marriage ceremony, especially one with a religious service

- *Do come to our wedding.*

reception:

re·cep·tion /rɪ'sepʃən/

مهمانی

a large formal party to celebrate an event or to welcome someone

- *It's an ideal location for a **wedding reception**.*

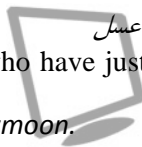
honeymoon:

hon·ey·moon / 'hʌnɪmu:n/

ماه عسل

a holiday taken by two people who have just got married

- *We went to Italy on our honeymoon.*



Unit 6: Disasters and Emergencies.

Grammar.

☑ کاربرد tell , say :

در زبان انگلیسی از فعل tell هنگامی که جمله به مخاطب خاصی اشاره نماید، استفاده می شود. درحالیکه say بدون اشاره مستقیم به مخاطب بکار می رود. مثال:

tell: Maggie told her parents to stay home.

say: Maggie said to stay home.

☑ کاربرد نقل قول مستقیم:

به جمله علی گفت: "من به مدرسه می روم." توجه نمایید. در زبان انگلیسی هرگاه جملات شخص غایب را عینا و بدون هیچ تغییری بیان کنیم، به آن نقل قول مستقیم گفته می شود. مثال:
Ali said, "I am going to school."

جهت بیان نقل قول مستقیم، از زمان مناسب فعل say و علامت (ر) استفاده می نماییم. سپس جمله مورد نظر را بدون هیچ تغییر داخل گیومه (" ") می نویسیم.
مثال:

They said, "The weather is awful."

They said to me, "The weather is awful."

☑ کاربرد نقل قول غیر مستقیم:

در نقل قول غیر مستقیم، جملات شخص غایب را با اندکی تغییر و با حفظ مفهوم آن بیان می کنیم. به جمله **علی گفت: "من به مدرسه می روم."** توجه نمایید. در نقل قول غیر مستقیم جمله فوق بصورت **علی گفت که او به مدرسه رفت.** نوشته می شود. مثال:

Ali said that he went to school.

توجه: برای تغییر جملات نقل قول مستقیم به نقل قول غیر مستقیم بصورت زیر عمل می کنیم:

۱ - علامت (r) را حذف نموده و بجای آن از رابط **that** استفاده می کنیم.

۲ - علامت (" ") را از جمله حذف می کنیم.

۳ - زمان جمله نقل شده را یک زمان به عقب می بریم.

۴ - در ضمایر فاعلی، مفعولی و صفات ملکی از الگوی زیر پیروی می کنیم:

I ► He / She

You ► I / We

We ► They



۵ - در صورت نیاز از الگوهای زیر برای تبدیل لغات استفاده می کنیم:

this ► that
 these ► those
 here ► there
 now ► then
 ago ► before
 today ► that day
 yesterday ► the day before
 tomorrow ► the next day

مثال:

They said, "The weather is awful."
 ► They said that the weather was awful.

Dan said, "We all had the flu."
 ► Dan said that they had all had the flu.

توجه : رابط **that** در جملات غیر مستقیم می تواند حذف شود.
 مثال:

They said the weather was awful.

توجه : برای تبدیل جملات نقل قول مستقیم امری به نقل قول غیر مستقیم از الگوی زیر پیروی می کنیم:

... + مصدر (با **to**) + مفعول + **said/told/asked** + فاعل

مثال:

He said, “Read the book.”

► He asked me to read the book.

She told Dan, “Call me tomorrow.”

► She told Dan to call her the next day.

توجه : اگر جمله نقل قول مستقیم در خصوص یک رویداد علمی و یا حقیقت انکار نشدنی باشد، هنگام نوشتن جمله نقل قول غیر مستقیم تغییر زمان نخواهیم داشت. مثال:

They said that English is an international language.



📖 Vocabulary.

natural disaster:

nat·u·ral di·sas·ter /nætʃərəl dɪzæstər/

بلای طبیعی مانند سیل و زلزله

a disaster caused by nature, not people such as floods or earthquakes

- *The 1987 hurricane was the worst **natural disaster** to hit England for decades.*

death toll:

'death toll / 'deθ tɔʊl/

تعداد تلفات جنگی، تعداد کشته شدگان

the total number of people who die in an accident, war etc

- *As the unrest continued, the **death toll rose** .*
- *The official death toll stands at 53.*

destruction:

de·struc·tion /dɪ'strʌkʃən/

خرابی، ویرانی

the act or process of destroying something or of being destroyed

- *weapons of mass destruction*



casualty:

cas·u·al·ty / 'kæʒuəlti/

تلفات

someone who is hurt or killed in an accident or war

- *Our aim is to reduce **road casualties** .*
- *thousands of **civilian casualties** (=people who are not soldiers who are injured or killed)*

victim:

vic·tim / 'vɪktɪm/

قربانی

someone who has been attacked, robbed, or murdered

- *The victim received head injuries from which she died a week later.*

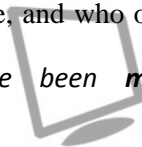
homeless:

home·less / 'houmləs/

بی خانمان، آواره

people who have nowhere to live, and who often live on the streets

- *Thousands of people have been **made homeless** .*



Unit 7: Books and Magazines.

📌 Grammar.

☑ کاربرد Noun Clauses :

عبارتهای اسمی یا Noun Clauses مجموعه ای از کلمات مرتبط با هم از قبیل فعل، فاعل و مفعول بوده که بعنوان اسم در جملات ظاهر می شوند. مثال:

I don't know **who the author is**.

در مثال فوق **who the author is** عبارت اسمی می باشد. عبارتهای اسمی با کلمات پرسشی WH و یا کلماتی از قبیل if و whether همراه بوده و به جمله اصلی متصل می شوند.

☑ کاربرد عبارتهای اسمی در پرسشهای بلی/خیر :

برای اتصال جملات پرسشی yes/no به جملاتی از قبیل I don't know و ... از قوانین زیر پیروی می کنیم:

۱ - جمله را با یکی از عبارات مشابه زیر شروع می کنیم:

I don't know

I wonder

I'd like to know

Do you know

Could you tell me

Would you mind tell me



۲ - جمله پرسشی را از حالت سوالی خارج نموده و آنرا توسط if یا whether به جمله مورد نظر متصل می کنیم.
مثال:

Is it any good book here?

► I don't know **if it's any good book here.**

Did he like the novel?

► I wonder **whether he liked the novel.**

☑ کاربرد عبارتهای اسمی در پرسشهای WH :

برای ارتباط جملات پرسشی با WH به جملاتی از قبیل I don't know و ... مشابه قسمت قبل عمل کرده ولی بجای if یا whether از همان کلمه پرسشی WH استفاده می کنیم.
مثال:

What's the book about?

► I don't know **what the book's about.**

Who's the author?

► I don't know **who the author is.**



📖 Vocabulary.

novel:

nov-el / 'nɑ:vəl/

رمان

a long written story in which the characters and events are usually imaginary

- *a novel by Jane Austen*

thriller:

thrill-er / 'θrɪlər/

به لرزه درآورنده، هیجان انگیز

a book or film that tells an exciting story about murder or crime

- *TV thrillers*

romance:

ro-mance / rou'mæns/

عشقی

a story about the love between two people

- *romance novels*

science fiction:

.science 'fiction / saɪəns 'fɪkʃən/

داستان علمی تخیلی

stories about events in the future which are affected by imaginary developments in science, for example about travelling in time or to other planets with life on them

biography:

bi·og·ra·phy /baɪ'ɑ:grəfi/

زندگینامه

a book that tells what has happened in someone's life, written by someone else

- *Boswell's biography of Dr. Johnson*

autobiography:

au·to·bi·og·ra·phy /ɔ:təbaɪ'ɑ:grəfi/

زندگینامه ای که توسط خود شخص نوشته شود.

a book in which someone writes about their own life, or books of this type

- *an autobiographical novel*

memoir:

mem·oir /'memwɔ:r/

سرگذشت

a book by someone important and famous in which they write about their life and experiences

- *Lady Thatcher had just published her memoirs.*

Unit 8: Inventions and Technology.

Grammar.

☑ جملات شرطی :

در زبان انگلیسی جملات شرطی از دو قسمت if-clause (شرط) و main-clause (پاسخ شرط) تشکیل می گردند. به عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید توجه نمایید. در این عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی جمله شرطی (if clause) و عبارت به جوش می آید پاسخ شرط (main clause) خواهد بود.

☑ جملات شرطی حقیقی :

جملات شرطی حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیانگر یک واقعیت کلی بوده و همواره صحیح می باشند. مانند: (اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید) جملات شرطی حقیقی بصورت زمان حال ساده در هر دو قسمت (شرط) و (پاسخ شرط) نوشته می شود. مثال :

If you heat water to 100C, it boils.

If there is something good on, I usually stay in and watch TV.

If I eat too much, I gain weight.



☑ جملات شرطی غیر حقیقی:

جملات شرطی غیر حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیان آن با احتمال همراه است. جملات شرطی غیر حقیقی به سه نوع جملات شرطی نوع اول ، نوع دوم و نوع سوم تقسیم می شوند.

☑ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع اول:

جملات شرطی نوع اول به جملاتی دلالت دارد که احتمال رویدادی در آینده نزدیک را به شرط انجام فعلی در زمان حال بیان نماید.
مثال:

If I have time, I will phone you.

اگر زمان داشته باشم به تو تلفن خواهم کرد

ساختار جملات شرطی نوع اول بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ در زمان آینده ساده , جمله شرط در زمان حال ساده if
مثال :

If he studies hard, he will pass the exam.

اگر به سختی درس بخواند، در آزمون قبول خواهد شد

If I have time, I'll finish the homework this afternoon.

اگر فرصت داشته باشم، تمریناتم را این بعد ازظهر تمام خواهم کرد



همچنین می توان جملات شرطی نوع اول را بصورت زیر نیز نوشت:

جمله شرط در زمان حال ساده **if** جمله پاسخ در زمان آینده ساده
مثال :

He will pass the exam if he studies hard.

در آزمون قبول خواهد شد اگر به سختی درس بخواند

I'll finish the homework this afternoon if I have time.

تمریناتم را این بعد ازظهر تمام خواهم کرد اگر فرصت داشته باشم

☑ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع دوم:

جملات شرطی نوع دوم، زمانی استفاده می شود که انجام جمله شرط برای گوینده، فرضی و غیر ممکن باشد. (مثلا اگر چینی صحبت می کردم.... یا اگر خانواده اش می دانستند و ...)
ساختار جملات شرطی نوع دوم بصورت زیر می باشد:
جمله پاسخ زمان آینده در گذشته , جمله شرط زمان گذشته ساده **if**

مثال :

If I spoke Chinese, I would apply for that job.

اگر می توانستم چینی صحبت کنم، برای آن کار درخواست می دادم.

If her parents knew about her tattoo, they would be angry.

اگر خانواده اش خالکوبی را می فهمیدند، عصبانی می شدند.

توجه : در قسمت شرط جملات شرطی نوع دوم، بجای **was** همیشه از **were** استفاده می شود. مثال:

If I were you, I wouldn't go there.

اگر بجای تو بودم، به آنجا نمی رفتم.

If he were rich, he could help you.

اگر او پولدار بود، می توانست به شما کمک کند.

☑ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع سوم:

جملات شرطی نوع سوم، زمانی استفاده می شود که انجام جمله شرط فقط در زمان گذشته امکان انجام داشته ولی انجام نگرفته باشد. (مثلا اگر چینی صحبت کرده بودم.... یا اگر خانواده اش دانسته بودند و ...)

ساختار جملات شرطی نوع سوم بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ آینده کامل در گذشته , جمله شرط گذشته کامل if

مثال :

If I had had a cell phone, I could have called you.

اگر یک گوشی موبایل داشته بودم، می توانستم با تو تماس بگیرم.

She wouldn't have been late if she had checked the map.

او دیر نمی کرد اگر نقشه را چک کرده بود.



☑ کاربرد wish :

جملاتی که بیانگر آرزو و افسوس در زمانهای مختلف باشند، با عبارت I wish به معنی (ای کاش) آغاز می گردند. در ساختار این جملات همیشه فعل جمله یک زمان عقب تر از زمان مفهومی جمله نوشته می شود. مثال:

I wish my laptop were a little faster.

ای کاش لپ تاپ من مقداری سریعتر بود.

توجه : در این جملات هیچگاه از was استفاده نشده و بجای آن were استفاده می کنیم.

توجه : برای بیان آرزو در زمان آینده از زمان آینده در گذشته استفاده می شود. مثال:

I wish it would rain.

ای کاش باران می بارید.



📖 Vocabulary.

state of the art:

.state-of-the-'art /steɪt əv ðə ɑ:rt/

محصول دانش و تکنولوژی جدید

using the most modern and recently developed methods, materials, or knowledge

- *His new laptop is state-of-the-art.*

cutting edge:

.cutting 'edge / kʌtɪŋ 'edʒ/

جدیدترین مرحله پیشرفت محصول

the newest and most exciting stage in the development of something

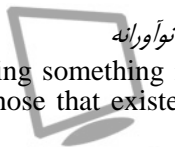
- *research that's at the cutting edge of genetic science*
- *The deck represents the cutting edge in CD reproduction.*

innovative:

in·nov·at·ive / 'ɪnə'veɪtɪv/

an innovative idea or way of doing something is new, different, and better than those that existed before

- *an **innovative approach** to language teaching*



- *innovative schemes for recycling waste materials*

revolutionary:

rev·o·lu·tion·a·ry /,revə'lu:ʃənəri/

انقلابی

completely new and different, especially in a way that leads to great improvements

- *The new cancer drug is a revolutionary breakthrough.*
- *a revolutionary new drug*

novel:

nov·el /'nɑ:vəl/

بدیع

not like anything known before, and unusual or interesting

- *What a novel idea!*



Unit 9: Controversial Issues.

📌 Grammar.

☑ کاربرد اسامی غیر قابل شمارش :

اسامی غیر قابل شمارش همواره با افعال مفرد در جملات انگلیسی ظاهر می شوند. مثال:

Education is an important issue.

برخی از اسامی غیر قابل شمارشی عبارتند از:

abstract ideas: health, advice, help, luck, fun

sports and activities: tennis, swimming, golf, basketball

illnesses: cancer, AIDS, diabetes, dengue

natural events: rain, snow, wind, light, darkness

academic subjects: English, Chemistry, Art, Mathematics

Foods: rice, milk, sugar, fat

توجه : اگر بخواهیم مقدار اسامی غیر قابل شمارشی را در جملات

بیان کنیم، از کلمات بیان کننده مقدار استفاده می شود. مثال:

a piece of news, a cup of tea, a time of peace, an act of justice

☑ کاربرد مصدر پس از افعال خاص :

۱ - پس از افعال زیر همواره فعل دوم بصورت مصدر (با to) نوشته

agree, decide, manage, pretend, appear,
deserve, need, refuse, can't afford, hope, offer,
seem, can't wait, learn, plan

مثال:

I can't wait **to see** her.
I agree **to paint** the room.

۲ - پس از افعال زیر بلافاصله مفعول قرار گرفته و فعل دوم پس از مفعول بصورت مصدر (با to) نوشته می شود:

advise, convince, permit, request, urge, allow,
encourage, persuade, require, warn, cause,
invite, remind, tell

مثال:

The newspaper reminded all 18-year-olds **to vote**.
We urged them **to write** letters against the death
penalty.
The law requires everyone **to wear** a seatbelt.

☑ کاربرد اسم مصدر پس از افعال خاص :

پس از افعال زیر همواره فعل دوم بصورت اسم مصدر (فعل همراه با ing) نوشته می شود:

avoid, can't stand, discuss, dislike, enjoy, feel,
like, mind, don't mind, practice, quit, suggest

مثال:

I enjoy **watching** TV.
I don't mind **writing** a letter.

📖 Vocabulary.

radical:

rad·i·cal / 'rædɪkəl/

سیاست مدار افراطی

someone who has new and different ideas, especially someone who wants complete social and political change

- *radicals on the extreme left wing of the party*

liberal:

lib·e·ral / 'lɪbərəl/

روشنفکر، طرفدار مردم سالاری

allowing people or organizations a lot of political or economic freedom

- *liberal society*

moderate:

mod·e·rate / 'm ɑ:dəɪt/

میانه رو، معتدل

someone whose opinions or beliefs, especially about politics, are not extreme and are considered reasonable by most people

- *He's coming under pressure from moderates in the party.*

conservative:

con-ser·va-tive /kən'sə: r vətɪv/

محافظه کار، سنتی

someone who does not like changes in politics, ideas, or fashion

- *an argument between reformers and conservatives in the organization*

reactionary:

re-ac-tion-a-ry /ri'ækʃ əneri/

مرتجع

someone who strongly opposes any social or political change - used to show disapproval

- *a reactionary person*



Unit 10: Enjoying the World.

Grammar.

☑ کاربرد too :

too قبل از صفت به معنی (خیلی، آنقدر زیاد) بوده و به جمله مفهوم منفی می دهد. مثال:

The water is too cold.

آب آنقدر سرد است (که نمی توان در آن شنا کرد)

I can't drink this tea. It's too hot.

نمی توانم این چای را بنوشم. خیلی داغ است.

توجه : فعل جمله پس از too بصورت مصدر (با to) بکار می رود. مثال:

The water is too cold **to** swim.

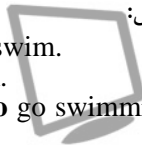
The tea is too hot **to** drink.

توجه : اگر بخواهیم فعل جمله را به شخصی نسبت دهیم، از for پس از too همراه با مفعول یا ضمیر مفعولی استفاده می کنیم. مثال:

The water is too cold **for** him **to** swim.

The tea is too hot **for** me **to** drink.

It's too dangerous **for** children **to** go swimming at that beach.



☑ کاربرد enough :

enough قبل از صفت به معنی (به اندازه کافی) بوده و به جمله مفهوم مثبت می دهد. مثال:

He is old enough to go to school.

او به اندازه کافی بزرگ شده که به مدرسه برود.

It was warm enough to go to school.

به اندازه کافی هوا گرم شده که بتوانیم به مدرسه برویم.

☑ حروف اضافه مکان :

حروف اضافه in و at برای مکانها (عموما سرپوشیده) بکار می رود.

She is in a hospital.

او در یک بیمارستان است

They are in an office.

آنها در یک دفتر هستند

توجه : حرف اضافه in برای اسامی شهرها، کشورها و قاره ها نیز بکار می رود. مانند:

in Mexico, in Osaka, in Asia

توجه : حرف اضافه on قبل از اسامی خیابانها بکار می رود. مانند:

on Gandhi street

توجه : حرف اضافه at قبل از آدرسهای دقیق بکار می رود. مانند:

at 18 Gandhi Street

👉 Vocabulary.

mountainous:

moun·tain·ous / 'mauntənəs/

کوهستانی

a mountainous area has a lot of mountains

- *a mountainous region*

hilly:

hill·y / 'hɪli/

پراز تپه

having a lot of hills

- *hilly area*

lush:

lush /lʌʃ/

پر پشت و شاداب

plants that are lush grow many leaves and look healthy and strong

- *The fields were lush with grass and flowers.*

arid:

ar·id / 'æɪɪd/

بایر، خشک و لم یزرع

arid land or an arid climate is very dry because it has very little rain

forest:

for·est / 'fɔ:rɪst/ n

جنگل، بیشه با درختان بلند

a large area of land that is covered with trees

- *Much of Scandinavia is covered in dense forest.*

canyon:

can·yon / 'kænjən/

دره باریک، تنگه

a deep valley with very steep sides of rock that usually has a river running through it

island:

is·land / 'aɪlənd/

جزیره

a piece of land completely surrounded by water

- *The Cayman Islands*

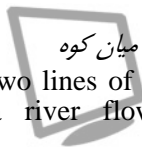
valley:

val·ley / 'væli/

دره میان کوه

an area of lower land between two lines of hills or mountains, usually with a river flowing through it

- *the San Fernando valley*



منابع و مراجع

- Joan Saslow & Allen Ascher, Top Notch 3, Pearson Longman 2006
- Raymond Murphy, English Grammar in Use 3rd Edition, Cambridge University Press 2010
- Alireza Motamed, PersianVi Dictionary, TahlilGaran 2010
- Alireza Motamed, PersianVi Upper Intermediate, TahlilGaran 2010



آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی

تحلیکر

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، برنامه ای جهت ارتقای مهارتهای زبان انگلیسی بصورت خودآموز و براساس زمانبندی دلخواه شما می باشد. مطالعات نشان داده اند آموزش از راه دور همان انگیزشی که در کلاسهای سنتی وجود دارد را فراهم آورده و درکل نود درصد سریعتر از آموزش انفرادی نتیجه می دهد.

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، پاسخی است به نیاز کسانی که جهت صرفه جویی در وقت و هزینه ، تمایلی به شرکت در کلاسهای درسی ندارند. همچنین این برنامه آموزشی مناسب افرادی می باشد که قصد دارند در حین کار و تحصیل به مطالعه و آموختن زبان دوم بپردازند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی آموزشگاه مراجعه نمایید:

www.PersianVi.com

TahlilGaran

Distance Learning English Courses

Top Notch Level 3

■ Vocabulary ■ Grammar

شاپک : ۵-۳۱-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

دوره : ۸-۲۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸



تهران - میدان ونک - خیابان گاندی هجدهم - پلاک ۱۸ - واحد ۲ تلفن : ۸۸۸۷۳۷۱۸

پست الکترونیک : info@PersianVi.com

سایت اینترنت : www.PersianVi.com

قیمت : ۲۵۰۰ تومان